

مطالعه تطبیقی بانکداری اسلامی و متعارف بحرین و بانکداری بدون ربای ایران (بارویکرد سودآوری)

مجید علیرضایی^۱
محمدجواد محقق‌نیا^۲
صمد یوسفی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۹/۰۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۳/۱۷

چکیده

در این تحقیق برای مقایسه عملکرد بانک‌ها از شاخص‌های سودآوری مثل بازده دارایی‌ها، بازده حقوق صاحبان سهام و حاشیه بهره خالص استفاده شده است. نمونه آماری تحقیق شامل ۶ بانک ایرانی، ۴ بانک اسلامی بحرین و ۴ بانک متعارف بحرین برای سال‌های (۲۰۱۴-۲۰۰۷) می‌باشد. ضرایب هر یک از متغیرهای تاثیرگذار بر شاخص‌های سودآوری در هر سه مدل، با استفاده از مدل خطی رگرسیون و به روش حداقل مربعات معمولی (OLS) تخمین و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بین‌اندازه بانک و سودآوری، برای بانک‌های اسلامی بحرین، رابطه مثبت و معنی‌دار وجود داشته است و برای بانک‌های متعارف بحرین و بدون ربای ایران این رابطه بی‌معنی بوده است. بانک‌های متعارف بحرین توانسته‌اند برخلاف بانک‌های بدون ربای ایران و اسلامی بحرین با افزایش تسهیلات اعطایی میزان سودآوری خود را افزایش دهند. همچنین بین نسبت دارایی نقد به کل دارایی‌ها و سودآوری برای بانک‌های متعارف بحرین و بدون ربای ایران رابطه منفی و معنی‌دار وجود داشته است.

کلمات کلیدی: بازده دارایی‌ها، بازده حقوق صاحبان سهام، حاشیه بهره خالص، بانک‌های متعارف بحرین، بانک‌های اسلامی بحرین، بانک‌های بدون ربا ایران، مدل رگرسیون خطی (LRM)
طبقه‌بندی JEL: G21, C33

majidalirezaee.70@gmail.com
mgmohagh@yahoo.com
samad68.y@gmail.com

۱. کارشناس ارشد بانکداری اسلامی دانشگاه علامه طباطبایی تهران
۲. عضو هیأت علمی بانکداری اسلامی دانشگاه علامه طباطبایی تهران
۳. کارشناس ارشد بانکداری اسلامی دانشگاه علامه طباطبایی تهران

مقدمه

بانکداری ربوی

نقش بانک‌ها در بازار پول و سرمایه‌ی یک نظام اقتصادی را می‌توان به طور کلی به دو مرحله اول تجهیز منابع و دوم تخصیص منابع تقسیم‌بندی کرد. سازوکار تجهیز منابع پولی ناظر بر شیوه‌هایی است که براساس آن بانک‌ها وجوه مازاد در جامعه را جذب می‌کنند. بانک‌ها با قبول سپرده مردم و یا انتشار اوراق، این منابع را جمع‌آوری می‌کنند. سازوکار تخصیص منابع نیز به چگونگی اختصاص وجوه جذب شده به متقاضیان آن اشاره دارد. بانک‌ها این منابع را به شکل‌های مختلف از جمله پرداخت تسهیلات، سرمایه‌گذاری مستقیم و... در رگ‌های اقتصادی کشور به گردش در می‌آورند. ماهیت فعالیت‌های بانک‌های ربوی این است که منابع را از طریق دریافت سپرده‌های با یک نرخ سود مشخص و ثابت جمع‌آوری و جذب نموده، و آن را با یک نرخ سود مشخص از قبل تعیین شده به صورت تسهیلات به متقاضیان تسهیلات تخصیص می‌دهد. لذا این منابع، منابع قرض است از آن جهت که ویژگی‌های قرض (حق تصرف و مالکیت) را داراست. به عبارت دیگر بانک مبالغ سپرده را جز دارایی‌های خود می‌داند و در آن‌ها تصرف می‌کند و در ازای استفاده از آن‌ها اگر عایدی پرداخت کند حکم قرض ربوی را دارد، در مورد سپرده جاری چون بهره‌ای به آن‌ها نمی‌دهد، فقط حکم قرض را دارد. لذا این فعالیت بانکداری، ربوی است. چون در جریان جذب سپرده، بانک بازپرداخت اصل سرمایه و بهره ثابت را به مشتری تضمین می‌کند و همچنین از آن طرف هم مطمئن هست که در زمان مقرر اصل و بهره ثابت خود را از اعتبار گیرندگان دریافت خواهد کرد بنابراین رابطه داین و مدیون به صورت دو طرفه برای سپرده‌گذار، بانک و اعتبارگیرنده برقرار است. به عبارت دیگر در جریان جذب سپرده‌ها (دین واقعی) بانک‌ها خود را موظف به پرداخت مازاد می‌دانند و مقدار مازاد بر دین نیز از ابتدا مشخص و قطعی است. بنابراین، چهار شرط تحقق ربا یعنی: وجود دین واقعی، استقلال دائن از مدیون، شرط پرداخت مازاد و تحقق پرداخت مازاد بر دین، اتفاق می‌افتد (موسویان، ۱۳۸۲) و لذا، تجهیز منابع پولی توسط این بانک‌ها ربوی تلقی می‌شود. ثانیاً در طرف تخصیص منابع از سوی بانک‌ها به متقاضیان نیز دین واقعی اتفاق می‌افتد با این تفاوت که در این عملیات، بانک دائن است و وام‌گیرنده مدیون از آن‌جا که روی این دین واقعی نیز پرداخت مازاد شرط می‌شود و این مازاد پرداخت می‌گردد، لذا با جمع شدن چهار شرط تحقق ربا در این عمل، پرداخت ربا صورت می‌گیرد. بنابراین به جهت این که دو عمل تجهیز منابع و تخصیص منابع در این بانک‌ها توأم با پرداخت بهره (ربا) می‌باشد به این سیستم بانکداری ربوی گفته می‌شود. با این رویکرد، دانستیم بانکداری ربوی برچه قواعدی استوار است و این مکانیزم تجهیز منابع و تخصیص آن چگونه و برچه اساس شکل می‌گیرد.

بانکداری بدون ربا

با پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۵۷ و متعاقب آن، تغییر نظام سیاسی کشور به جمهوری اسلامی، فصل جدیدی در شیوه بانکداری ایران گشوده شد چون انقلاب رنگ و بوی اسلامی داشت و با هدف پیاده کردن احکام اسلام شکل گرفته بود و چون سیستم بانکی نقش مهمی را در زندگی مردم ایفا می‌کرد در نتیجه در همان ابتدا مورد توجه بود. بنابراین مسئولان کشور دو گزینه پیش‌رو داشتند یکی این‌که بانکها را که عملیات آنها ربوی بود تعطیل کنند تا یک سیستم بانکی جدید که بر مبنای قوانین اسلام عمل می‌کند پی‌ریزی شود و به عبارت دیگر سیستم جدیدی را پایه‌گذاری کنند. دوم این‌که عملیات بانکها را اصلاح کنند. (محقق‌نیا) به دلیل حساس بودن اوضاع کشور در آن موقع چون امکان ایجاد یک سیستم جدید نبود بنابراین راه دوم انتخاب شد که حاصل آن تغییر تدریجی سیستم بانکداری کشور به بانکداری بدون ربا بود، که طی یک پروسه‌ی هشت مرحله‌ای و با ملی کردن بانکها توسط شورای انقلاب، در خرداد ۱۳۵۸، شروع و با تصویب قانون بانکداری بدون ربا در سال ۶۲ و اصلاح آن در سال ۶۹، انسجام گرفت. (محقق‌نیا، ۱۳۹۳) قانون بانکداری بدون ربا در ۵ فصل و ۲۷ ماده به تصویب رسید و برای اجرا ابلاغ شد که چارچوب فعالیت بانکها را مشخص می‌کند. بنابراین از سال ۱۳۵۷ تا سال ۱۳۶۲ عملیات بانکها بر مبنای مکانیزم بانکهای غربی بود. طی دو دهه اخیر بانکهای بدون ربا در کشورهای اسلامی، از جهت کمی و کیفی توسعه قابل توجهی داشته‌اند، به نحوی که امروزه در غالب کشورهای اسلامی و حتی در برخی کشورهای غیرمسلمان، الگوهای گوناگونی از بانکهای بدون ربا فعالیت می‌کنند. این بانکها گرچه از جهت «حذف ربا از عملیات بانکی» مشترکند اما از جهت الگوی عملیاتی و بکارگیری عقود و روش‌های معاملاتی با یکدیگر متفاوت هستند. ماده ۳ قانون عملیات بانکداری بدون ربا چگونگی تجهیز و تخصیص منابع را توضیح داده است. که به صورت زیر می‌باشد:

الف) جذب سپرده‌ها

۱) سپرده‌های قرض‌الحسنه شامل (سپرده جاری^۱ و سپرده پس‌انداز^۲)

۲) سپرده سرمایه‌گذاری مدت‌دار^۳

در سپرده‌های نوع اول و دوم هیچ‌گونه مازادی پرداخت نمی‌شود و بانک فقط مکلف به پرداخت اصل این سپرده‌ها می‌باشد (ماده ۳) قانون بانکداری بدون ربا). در مورد این سپرده‌ها حکم‌قرض، جاری است اما نه قرض ربوی. در سپرده‌های سرمایه‌گذاری بانک و کیل سپرده‌گذار می‌باشد و اصل سپرده‌ها را تعهد کرده و با آن را بیمه می‌نماید و به هیچ یک از سپرده‌های دریافتی، تحت عنوان

1. Current Account
2. Saving Accounts
3. Investment Accounts

سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار، رقم قطعی تعیین شده از قبل را به عنوان سود پرداخت نمی‌کند (ماده ۴ قانون بانکداری بدون ربا). بنابراین، از آن‌جا که در هیچ کدام از دو نوع سپرده‌ی فوق‌شروط چهارگانه‌ی تحقق ربا با یکدیگر جمع نمی‌شوند، لذا می‌توان گفت که این مرحله از عملیات بانکی نیز ربوی نمی‌شود. بخش دوم عملیات بانکی تخصیص منابع پولی و اعطای تسهیلات به بخش‌های مختلف اقتصادی است. در این قسمت بانک به عنوان وکیل سپرده‌گذاران، وجوه جذب شده را در قالب عقود مختلف به کار می‌گیرد. ماده‌ی (۹) آیین‌نامه‌ی تجهیز منابع پولی می‌گوید که: بانک‌ها، سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار را، که در به کار گرفتن آن‌ها وکیل می‌باشند، به عنوان منابع سپرده‌گذار در امور مشارکت، مضاربه، اجاره به شرط تملیک، معاملات اقساطی، مزارعه، مساقات، سرمایه‌گذاری مستقیم، معاملات سلف و جعاله مورد استفاده قرار می‌دهند. بنابراین، بخش اعطای تسهیلات بانکی نیز تحت شروط قید شده در قانون عملیات بانکی غیرربوی می‌باشد آن‌چه که تاکنون در مورد غیرربوی بودن عملیات بانکی در دو مرحله‌ی جذب سپرده و اعطای تسهیلات گفته شده از منظر قانون عملیات بانکی بدون ربا و آیین‌نامه‌های مصوب بوده است. بنابراین در بانکداری بدون ربا در مورد سپرده‌های جاری نرخ بهره وجود ندارد و در مورد سپرده‌های سرمایه‌گذاری نیز سود قطعی وجود ندارد و سود قطعی در پایان سال مشخص می‌شود.

بانکداری اسلامی

متفکران مسلمان با گسترش صنعت بانکداری به فکر استفاده از این پدیده افتادند، لیکن بیشتر فعالیت‌های بانک متعارف را براساس قرض و بهره یافتند، که از نظر اسلام ربا و ممنوع است از این‌رو ابتدا سعی کردند با حفظ عملیات بانکداری متعارف، توجیه شرعی پیدا کنند، لیکن استدلالی که مورد پذیرش علمای دین باشد به دست نیامد. در این‌جا بود که برخی اندیشمندان اسلامی در صدد طراحی بانکی براساس اصول اسلامی برآمدند که نتیجه آن در قالب بانکداری اسلامی متبلور شد. بانکداری اسلامی بصورت فعلی از حدود اواسط دهه ۱۹۷۰ در خاورمیانه بوجود آمده است. انتشار کتاب مشهور "البنک الربوی فی الاسلام" اثر متفکر بزرگ شیعی سید محمدباقر صدر در اشاعه این تفکر تاثیر زیادی داشت و بسیاری از افراد را به فکر بانکداری اسلامی انداخت. از جمله محمدالفیصل، برادرزاده پادشاه عربستان که نخستین بانک‌های اسلامی را در اواسط دهه ۱۹۷۰ در عربستان، مصر و سودان پایه‌گذاری کرد. ناگفته پیداست که میان استقرار نظام بانکداری اسلامی و تاسیس بانک اسلامی تفاوت وجود دارد، آن‌چه امروز در کشور جمهوری اسلامی ایران و پاکستان وجود دارد، استقرار بانکداری غیرربوی است. به عبارت دیگر باید توجه نمود که هدف بانکداری بدون ربا انجام عملیات بانکی به دور از هرگونه شبهه ربا می‌باشد. در واقع بانکداری بدون ربا تنها

بخشی مهم از بانکداری اسلامی است و نه همه آن. بانکداری اسلامی همان اهداف بانکداری متداول دنیا را دنبال می‌کند با این تفاوت که ادعا می‌شود عملیات بانکداری در این بانک‌ها براساس فقه معاملات اسلامی صورت می‌گیرد. مهم‌ترین اصل در بانکداری اسلامی تقسیم سود و زیان حاصل از معامله و پرهیز از پرداخت ربا یا همان بهره پول است. عمومی‌ترین مفاهیم مورد استفاده بانکداری اسلامی شامل مضاربه (تقسیم سود)، ودیعه (به امانت گذاردن)، مشارکت (سرمایه‌گذاری مشترک)، مرابحه (قرارداد مبتنی بر قیمت تمام شده) و اجازه به شرط تملیک (لیزینگ) است. در واقع فلسفه بانکداری اسلامی، بر تقسیم ریسک، داد و ستد فیزیکی کالا، درگیری مستقیم با تجارت و کار، اجاره و قراردادهای ساختمانی با استفاده از عقود مختلف شرعی استوار است. تقسیم ریسک و مدیریت آن برای دستیابی به حاکمیت مشارکت^۱ و همکاری در انجام پروژه‌ها یکی از اهداف بانکداری اسلامی است.

بانکداری اسلامی در بحرین

کشور بحرین به دلیل برخورداری از تراکم بالای نهادهای مالی اسلامی در خاورمیانه به عنوان یکی از فعالان جهانی در حوزه تأمین مالی اسلامی شناخته شده است. در حال حاضر این کشور دارای ۷ شرکت بیمه اسلامی (تکفل)، ۲۰ بانک و مؤسسات مالی اسلامی و پیشگام در ارائه ابزارها و تولیدات نوین بانکداری اسلامی بوده که از میان آن‌ها می‌توان به انتشار اوراق بهادار اسلامی از جمله صکوک دولتی کوتاه مدت اشاره نمود. بانکداری اسلامی در این کشور مشتمل بر ۳ نوع بانکداری شعبه‌ای، بانکداری خصوصی و بانکداری شرکتی می‌باشد. (محرابی، ۱۳۹۳)

✓ بانکداری شعبه‌ای^۱: در این نوع بانک‌ها خدمات بانکی مشتمل بر حساب جاری، حساب پس‌انداز و حساب سپرده سرمایه‌گذاری در شعبه‌ها ارائه می‌شود. در این نوع بانک‌ها خدمات مالی برای خرید کالا براساس عقد مرابحه و خدمات مالی برای خرید خانه و ماشین طبق عقد اجاره صورت می‌گیرد.

✓ بانکداری خصوصی^۲: ساختار بانک‌های خصوصی اسلامی، مانند ساختار بانک‌های اسلامی است و خدمات مشابه آن‌ها را ارائه می‌دهد.

✓ بانکداری مشارکتی^۳: این نوع بانک‌ها طبق عقود مرابحه، مشارکت، استصناع و اجاره به ارائه اعتبارنامه و ضمانت‌نامه به شرکت‌ها می‌پردازند.

- 1.Branch Banking
- 2.Private Banking
- 3.Corporate Banking

بحرین اسلامی بانکداری در مالی منابع تجهیز هاروش

بانک‌های اسلامی در بحرین از طریق حساب‌های سرمایه‌گذاری، حساب‌های پس‌انداز و حساب‌های جاری به تجهیز منابع پولی خود می‌پردازند. این بانک‌ها حساب‌های سرمایه‌گذاری خود را به ۲ گروه حساب‌های سرمایه‌گذاری محدود و حساب سرمایه‌گذاری نامحدود تقسیم می‌کنند. در این بانک‌ها منظور از محدودیت تنها محدودیت زمانی نیست، بلکه آن‌چه در این جا حائز اهمیت می‌باشد حقی است که مشتری در تعیین چگونگی مصرف و سرمایه‌گذاری سپرده‌هایش توسط بانک دارد، و به عبارت دیگر حساب سرمایه‌گذاری نامحدود به گونه‌ای است که بانک محدودیتی از طرف دارنده حساب جهت انتخاب نوع، مکان و چگونگی سرمایه‌گذاری ندارد. حال آن‌که در سرمایه‌گذاری محدود این دارنده حساب است که برای بانک شرایطی همچون نوع و مکان و چگونگی سرمایه‌گذاری تعیین می‌کند. در واقع بانک در این جا به عنوان عامل یا مضارب ایفای نقش می‌نماید. بانک حساب‌های به صورت سرمایه‌گذاری نامحدود را به طور کامل منطبق با شریعت به کار می‌برد و حساب‌های محدود را به گونه‌ای سرمایه‌گذاری می‌کند که هیچ‌گونه مغایرتی با قواعد اسلام نداشته باشد. (محرابی، ۱۳۹۳)

روش‌های تخصیص منابع در بانکداری اسلامی بحرین

بانک‌های اسلامی بحرین تأمین مالی پروژه‌های بخش خصوصی و عمومی را برعهده دارند و معمولاً تسهیلات اعطایی به مشتریان برطبق ۳ اصل ذیل ارائه می‌شود (محرابی، ۱۳۹۳):

✓ تسهیم سود و زیان (مشارکت، مضاربه)

✓ هزینه و دستمزد (مرابحه، حق العمل کاری)

✓ اصل بهای خدمات (قرض الحسنه)

براساس آمار به دست آمده در سال ۲۰۱۳، حدود ۸۴ درصد از روش‌های تأمین مالی در بانکداری اسلامی بحرین از طریق مرابحه، حدود ۱۳ درصد از طریق مضاربه و ۲ درصد از طریق عقد اجاره صورت می‌پذیرد.

مبانی نظری

هدف نهایی مدیر هر بنگاه حداکثر کردن بازده سهامداران است. و سود خالص، بهترین ابزار برای تعیین عملکرد مدیریت در دستیابی به هدف مزبور می‌باشد. بنابراین، ممکن است سهامداران در مجموعه نسبت‌های مالی برای نسبت‌های سودآوری اهمیت بیشتری قائل بشوند. این نسبت‌ها عمدتاً شامل نسبت حاشیه بهره خالص، نسبت بازده دارایی‌ها و نسبت بازده حقوق صاحبان سهام می‌باشد.

و متغیرهای تاثیرگذار یا متغیرهای توضیحی نیز عبارتند از نسبت دارایی نقد به کل دارایی‌ها، وام به کل دارایی، اندازه بانک (کل دارایی‌ها)، هزینه‌های غیر بهره‌ای به درآمد عملیاتی، حقوق صاحبان سهام به کل دارایی‌ها.

به نظر می‌رسد یکی از عوامل موثر بر سودآوری بانک‌ها، نسبت دارایی نقد به کل دارایی‌ها باشد. انتظار می‌رود با افزایش این نسبت سودآوری بانک‌ها کاهش یابد. چون بانک‌ها دائماً با ریسک‌های مربوط به احتمال عدم وصول مطالبات مواجه هستند. در نتیجه برای پاسخ‌گویی به نیازهای نقدینگی و مدیریت نقدینگی و همچنین به منظور جلوگیری از زیان‌های ناشی از بحران نقدینگی ناشی از عدم باز پرداخت بدهی‌ها، اغلب دارایی‌های نقد نگهداری می‌کنند. دارایی نقد با سودآوری پایین مرتبط هست، چون بانک قادر نخواهد بود که آن‌ها را در زمینه‌های سودآور سرمایه‌گذاری کند از این رو نقدینگی بالا با سودآوری پایین همراه است بنابراین انتظار می‌رود با افزایش نسبت دارایی نقد بردارایی‌ها، سودآوری بانک‌ها کاهش یابد.

یکی دیگر از عوامل تاثیرگذار بر سودآوری بانک‌ها نسبت وام به کل دارایی‌ها می‌باشد و نشان می‌دهد چند درصد از دارایی‌های بانک به صورت وام در اختیار متقاضیان تسهیلات قرار گرفته است از این معیار می‌توان برای اندازه‌گیری میزان نقدینگی بانک‌ها نیز استفاده کرد. زیرا هر چه قدر این نسبت افزایش یابد به این معنی است که بانک سپرده‌های بیشتری را تبدیل به وام کرده است، و در نتیجه میزان نقدینگی در بانک کاهش خواهد یافت و با کاهش میزان نقدینگی یا افزایش نسبت وام به دارایی‌ها، سودآوری بانک افزایش می‌یابد. آبرو و مندس^۱ (۲۰۰۰) رابطه بین نسبت وام‌ها بر سوددهی را مورد بررسی قرار داده‌اند نتایج بدست آمده حاکی از وجود رابطه مثبت بین نسبت وام‌ها و سوددهی می‌باشد. در حالی که تحقیقات بشیر و حسن^۲ و استاکورس و وود^۳ (۲۰۰۳) نشان داده‌اند که رابطه منفی بین سوددهی و نسبت وام‌ها وجود دارد. به نظر می‌رسد تاثیر نسبت وام به کل دارایی‌ها، روی سودآوری بانک‌ها متفاوت باشد. برای بانکداری متعارف بحرین چون هدفشان از اعطای اعتبارات کسب سود است و با عملیات وام‌دهی سود به دست می‌آورند و در نتیجه انتظار می‌رود رابطه مثبت بین نسبت وام و سودآوری این بانک‌ها باشد. برای بانک‌های اسلامی و بدون ربا ایران چون هدف فقط کسب سود نیست و بخشی از وام‌های آن‌ها به صورت قرض الحسنه داده می‌شود و همچنین در مورد وام‌های اعطای به صورت عقود مشارکتی چون سود قطعی نمی‌گیرند در نتیجه چون مشخص نیست که وام‌های پرداختی تبدیل به سود می‌شوند یا نه، بنابراین رابطه مشخصی بین نسبت وام به کل دارایی‌ها و سودآوری برای آن‌ها وجود ندارد. درحالی

1. Abru & Mendes
2. Bashir & Hassan
3. Staikouras & Wood

که در بانک‌های ربوی بانک مطمئن است که بهره را در سررسید دریافت خواهد کرد در نتیجه با افزایش وام‌های پرداختنی سودآوری افزایش می‌یابد.

از دیگر عوامل مؤثر بر سودآوری میزان دارایی‌های کل بانک می‌باشد که به نوعی نشان‌دهنده اندازه بانک‌ها است. نتایج مطالعات بن‌ناکور^۱ (۲۰۰۳) و بوید و رانکل^۲ (۱۹۹۳) حاکی از این است که سودآوری رابطه منفی با اندازه بانک دارد. همان‌طور که می‌دانیم کل دارایی‌های یک بنگاه مشتمل بر تمامی متعلقات ارزشمند مادی و معنوی آن می‌باشد این دارایی‌ها به دو دسته کلی دارایی‌های ملموس (املاک و مستغلات، ماشین‌آلات و تجهیزات و...) و دارایی‌های غیرملموس (حسن شهرت، امتیاز انحصاری محصول و...) طبقه‌بندی می‌شوند در مورد بانک‌ها قابل ذکر است که کل دارایی‌های یک بانک نمایانگر اندازه آن بانک بوده و واضح است که هرچه ارزش کل دارایی‌ها بیشتر باشد در نتیجه اصطلاحاً اندازه آن بانک بزرگ‌تر است اقلام دارایی‌ها در شبکه بانکی دارای تنوع زیادی بوده ولیکن عمدتاً انواع وام‌ها به عنوان یکی از مهم‌ترین اجزای کل دارایی‌های هر بانکی محسوب می‌شود که در واقع مبنای عملیات نظام بانکی از طریق عملیات اعطای تسهیلات بهره‌ای (در بانکداری متعارف) و غیر بهره‌ای (در بانکداری اسلامی) انجام می‌پذیرد انتظار می‌رود که عامل ارزش کل دارایی‌های بانک به این دلیل که بانک‌های بزرگ‌تر سودآوری بالاتری دارند، رابطه مثبتی با سودآوری بانک داشته باشد (نبی و همکاران، ۱۳۸۸).

از جمله عوامل تاثیرگذار بر سودآوری بانک‌ها نسبت هزینه‌های غیر بهره‌ای به درآمد است، هزینه‌های غیر بهره‌ای که شامل کل هزینه‌ها (از قبیل هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول، هزینه کاهش ارزش سرمایه گذاری‌ها و مشارکت‌ها، هزینه پرسنلی، عمومی و اداری، هزینه استهلاک اموال و تجهیزات اجاره محل و...) به استثنا هزینه بهره است، نشان می‌دهد که چند درصد از درآمد عملیاتی بانک را هزینه‌های غیر بهره‌ای شکل می‌دهد، بانک‌ها اغلب به دلیل رقابت با رقبا نمی‌توانند هزینه‌های بهره‌ای را کاهش دهند، اما در مورد هزینه‌های غیر بهره‌ای بانک‌ها می‌توانند با حذف یا کاهش هزینه‌های غیر ضروری و کنترل صحیح هزینه‌ها از میزان هزینه‌های غیر بهره‌ای بکاهند. بدیهی است که هرچه این نسبت کاهش یابد بانک به لحاظ هزینه‌ای کاراتر عمل نموده است. بنابر این انتظار می‌رود که رابطه منفی بین این نسبت و سودآوری بانک‌ها وجود داشته باشد. نتایج پژوهش شاهچرا و جوزدانی (۱۳۹۱) رابطه مثبت و معنی‌داری بین کاهش نسبت هزینه‌های غیر بهره‌ای به درآمد و رشد سودآوری را نشان می‌دهد. این امری بدیهی است، که کارایی در جهت

1. Ben Naceur
2. Boyd & Runkle

کاهش هزینه‌ها نقش اساسی در سودآوری بانک‌ها دارد. ملاحظه مطالبات مشکوک‌الوصول می‌تواند نوسانات زیادی را در سودآوری بانک‌ها ایجاد نماید.

نسبت حقوق صاحبان سهام به کل دارایی‌های بانک معیاری جهت سنجش کفایت دارایی‌هاست. این شاخص بیانگر توانایی بانک در مرتفع نمودن زیان‌های احتمالی و پوشش منابع در معرض ریسک، (شامل ریسک‌های محتمل از نوع اعتباری، بازار، نقدینگی، عملیاتی، قانونی و...) از طریق سرمایه صاحبان سهام است. بانک‌ها با نسبت سرمایه به دارایی بالاتر، دارای ثبات بیشتر و امنیت مناسبی در مقابل بحران‌های مالی و زیان‌های ناشی از عدم باز پرداخت بدهی‌های خود هستند. از آن‌جا که دارایی‌های بانک ریسک یکسانی ندارند بنابراین به جای استفاده از نسبت حقوق صاحبان سهام به کل دارایی‌ها، از نسبت کفایت سرمایه استفاده شده است. نسبت کفایت سرمایه از تقسیم حقوق صاحبان سهام به کل دارایی‌های موزون شده به ریسک به دست می‌آید. افزایش میزان دارایی موزون شده به ریسک به این معناست که بانکداری دارایی‌های ریسکی زیادی می‌باشد و همچنین کاهش میزان آن نشان‌دهنده ریسک کم دارایی‌های بانک است. حال با افزایش میزان دارایی موزون شده به ریسک (به دلیل افزایش دارایی‌های ریسکی) نسبت کفایت سرمایه کاهش می‌یابد و از طرف دیگر طبق فرضیه متعارف که ریسک و بازدهی رابطه مثبت باهم دارند می‌توان نتیجه گرفت با کاهش نسبت کفایت سرمایه، بازدهی افزایش می‌یابد. یافته‌های شاهچرا و جوزدانی (۱۳۹۱) نشان‌دهنده وجود یک رابطه غیرخطی بین سودآوری بانک‌ها و نسبت سرمایه می‌باشد. با توجه به ضریب منفی و معنی‌داری توان دوم نسبت سرمایه، می‌توان گفت که افزایش در نسبت سرمایه در مقادیر اولیه موجب افزایش در سودآوری شده ولی هرچه این نسبت افزایش یابد و از حد ماکزیمم آن فراتر رود باعث کاهش سودآوری بانک‌ها می‌شود. همچنین از این نسبت می‌توان به عنوان معیاری برای مشخص نمودن میزان نقدینگی در بانک استفاده کرد. به این صورت که هر چه قدر نسبت کفایت سرمایه کاهش یابد (که به دلیل افزایش ریسک است) باعث افزایش سهم نقدینگی از دارایی کل می‌شود. با افزایش نقدینگی میزان دارایی‌های موزون شده به ریسک کاهش می‌یابد چون ضریب ریسکی آن صفر می‌باشد در نتیجه کسر کاهش می‌یابد و نسبت کفایت سرمایه افزایش می‌یابد. از طرف دیگر با افزایش دارایی نقدی به کل دارایی‌ها، ریسک کاهش یافته و در نتیجه بازدهی کاهش می‌یابد بنابراین با افزایش نسبت کفایت سرمایه بازدهی کاهش می‌یابد.

پیشینه تحقیق

نادری کزج و صادقی (۱۳۸۲) در تحقیقی تحت عنوان «بررسی کارایی بانکداری بدون ربا در کشورهای مختلف و مقایسه بانک‌های غیرربوی با بانک‌های ربوی در جهان با استفاده از روش

تحلیل پوششی داده‌ها» کارایی ۸۷ بانک اسلامی در سال ۲۰۰ و ۲۰۰۱ و کارایی ۴۶ بانک غیرربوی و ۶۴ بانک ربوی در سال ۲۰۰۱ را با استفاده از روش تحلیل پوششی داده‌ها محاسبه و با یکدیگر مقایسه کردند. نتایج نشان می‌دهند، کارایی بانک‌های غیرربوی بحرین و قطر و به طور کلی کارایی بانک‌های غیرربوی، که در شرایط رقابتی در کنار بانک‌های ربوی فعالیت می‌کنند، از کارایی بانک‌هایی است که تحت نظام بانکداری غیرربوی (ایران، سودان و پاکستان) فعالیت می‌کنند، بیشتر است. همچنین نتایج نشان می‌دهند کارایی بانکداری غیرربوی در سال ۲۰۰۱ نسبت به بانکداری ربوی در جهان، کمتر بوده است.

باقی (۱۳۸۶) با استفاده از یک مدل خطی رگرسیونی برای دوره زمان (۱۳۶۲-۱۳۸۰) عوامل مؤثر و تعیین‌کننده سودآوری بانک رفاه کارگران را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که مدیریت کارای هزینه‌ها یکی از توزیع‌گرهای بامعنی برای سودآوری بالای بانک است. علاوه بر آن دارایی‌های کنترلی و مدیریت تعهدات نیز تأثیر با معنی در سودآوری دارند. در میان عوامل بیرونی رشد اقتصادی نیز اثر مثبتی بر شاخص‌های سودآوری بانک دارد و از طرف دیگر نرخ تورم با یک معنی‌داری پائین، اثر معکوسی بر سودآوری داشته است.

رحمانی و حیدری (۱۳۸۶) در تحقیقی تحت عنوان بررسی نسبت کفایت سرمایه با متغیرهای مالی در سیستم بانکی ایران، چهار فرضیه مبنی بر وجود رابطه بین نسبت کفایت سرمایه و چهار متغیر مالی شامل، نسبت ریسک اعتباری، نسبت سودآوری، اندازه و نسبت سپرده به تسهیلات را طی دوره زمانی (۱۳۷۹-۱۳۸۴) آزمون کردند. نتایج نشان می‌دهد که تمامی متغیرهای نسبت سودآوری، اندازه، نسبت سپرده به تسهیلات و نسبت ریسک اعتباری با نسبت کفایت سرمایه رابطه‌ی معناداری دارند. شدت این رابطه برای نسبت سودآوری بیشتر از سایر متغیرها و برای نسبت ریسک اعتباری کمتر از دیگر متغیرها می‌باشد. همچنین جهت این رابطه برای نسبت سودآوری مستقیم و برای متغیرهای اندازه، نسبت سپرده به تسهیلات و شاخص ریسک اعتباری معکوس می‌باشد.

عیوضلو و میسمی در مقاله‌ی خود تحت عنوان بررسی نظری ثبات و کارایی بانکداری اسلامی در مقایسه با بانکداری متعارف در سال ۱۳۸۷ به نتایج قابل توجهی دست یافتند. اولاً تامین مالی در بانکداری اسلامی نسبت به بانکداری متعارف از ثبات بیشتری برخوردار است در نتیجه بانکداری اسلامی از ثبات بیشتری برخوردار است، ثانياً اقتصاد اسلامی در مقایسه با نظام متعارف محیط مناسب‌تری برای کارفرمایان فراهم می‌کند چراکه این نظام برعکس ساختار متعارف تعلق گرفتن یک‌بازده تضمین شده به سرمایه پولی حتی در شرایطی که استفاده از سرمایه نتوانسته ثروت اضافه پدید آورد را ممنوع می‌کند. سرکر (۱۹۹۹) در مقاله خود به بررسی ریسک اعتباری در بانکداری

اسلامی و متعارف پرداخت و بیان نمود که ویژگی خاص ریسک در بانکداری اسلامی نیازمند وضع قوانین خاص است. در حالی که کهن (۲۰۰۵) به این نتیجه رسید که ماهیت و کیفیت ریسک اعتباری در بانکداری اسلامی مشابه بانکداری متعارف است.

نبی و همکاران (۱۳۸۸) در پژوهشی سودآوری بانکهای بدون ربا، اسلامی و متعارف ایران و مالزی را مورد بررسی قرار دادند. نتایج تحقیق حاکی از برتری مطلق شاخصهای سودآوری در بانکداری متعارف مالزی در خصوص متغیرهای نسبت تسهیلات به داراییها و نسبت هزینههای غیر بهره‌ای به کل داراییها (هزینهها فناوریهای نوین) نسبت به سایر رقبای بانکی خود است. این درحالیست که ارزش داراییهای بانکهای اسلامی مالزی که معرف اندازه بانکهاست بر سودآوری آنها تاثیر مثبت و معناداری داشته که در مورد بانکهای ایرانی چندان صادق نیست. از نکات قابل توجه در نتایج این تحقیق، عدم وجود رابطه‌ای معنی‌دار بین ارزش سپرده‌های بانکی به داراییها و شاخصهای سودآوری در بانکهای اسلامی مالزی است و این امر نیز بدیهی به نظر می‌رسد، چرا که اصولا در بانکداری اسلامی سودی به سپرده‌های قرض‌الحسنه تعلق نگرفته و این نوع از سپرده‌ها جزء عمده‌ترین اقلام منابع بانکهای اسلامی است و تاثیری بر سودآوری از این محل متوجه بانکهای اسلامی نمی‌باشد.

مقدم زنجانی و پیری (۱۳۹۱) در پژوهشی به بررسی تاثیر عوامل کلان اقتصادی بر سودآوری بانکهای اسلامی با استفاده از روش‌های اقتصادسنجی پرداختند. نتایج تحقیق نشان داد که مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده سودآوری بانکهای اسلامی، میزان سرمایه و شاخصهای مربوط به کارایی می‌باشد. همچنین میان شاخصهای سودآوری بانکهای اسلامی و متغیرهای کلان اقتصادی نظیر رشد تولید ناخالص داخلی و تورم رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

سید نورانی و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله خود رابطه علیت بین سرمایه بانک و سودآوری؛ با تاکید بر جنبه نظارتی ساختار سرمایه برای دوره (۱۳۸۲-۱۳۸۸) را مورد بررسی و مطالعه قرار دادند. نتایج حاصل از برآورد مدل به وسیله مدل‌های رگرسیونی با داده‌های تابلویی نشان‌دهنده آن است که یک رابطه مثبت بین اهرم‌های مالی و بازده سرمایه وجود دارد. همچنین شواهد نشان می‌دهد که رابطه مثبت بین بازده دارایی (ROA) و دارایی خالص وجود دارد. از دیگر نتایج تحقیق آن است که بین نسبت بدهی و معیارهای سودآوری (بازده دارایی و بازده سرمایه) رابطه مثبت وجود دارد.

حسینی و خیبرشکن (۱۳۹۲) عوامل مؤثر بر نسبت‌های سودآوری در صنعت بانکداری ایران را طی سال‌های (۱۳۸۱-۱۳۸۷)، با استفاده از آمار استنباطی و روش‌های اقتصادسنجی تجزیه و تحلیل نمودند. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که شاخص تمرکز بازار بانک، اندازه‌ی بانک،

ریسک بانک و میزان گسترش بانکداری الکترونیک، که در این تحقیق براساس تعداد دستگاه‌های خودپرداز بانک مشخص گردیده، تأثیر معکوس بر نسبت‌های سودآوری بانک‌های تجاری داشته و شاخص سهم بازار بانک، نرخ تورم و میزان تولید ناخالص داخلی، با نسبت‌های سودآوری این بانک‌ها رابطه‌ی مستقیم دارد.

نظریان و عزیزیان‌فرد (۱۳۹۵) عوامل مؤثر بر حاشیه نرخ سود بانک‌های دولتی، بانک‌های خصوصی و بانک‌های مشمول اصل ۴۴ قانون اساسی را بررسی کردند. برای اندازه‌گیری آثار متغیرهای مختلف روی حاشیه نرخ سود، متغیرهای مستقل را به دو گروه متغیرهای کلان (نقدینگی بازار سهام، کل حجم معاملات در بازار سهام و میزان سپرده جاری) و متغیرهای نماینگر مقررات نظارت بانکی (مالکیت بانک‌ها، ریسک اعتباری، ریسک نقدینگی و کفایت سرمایه) تقسیم کرده و با استفاده از روش پانل دیتا و داده‌های سالانه طی سال‌های (۱۳۹۲-۱۳۸۴) به بررسی آثار هریک از این عوامل بر روی متغیر وابسته (حاشیه نرخ سود بانکی) پرداختند. نتایج الگوی برآورد شده نشان می‌دهد از میان متغیرهای کلان، کل حجم معاملات بازار سهام بیشترین تأثیر و سپرده‌های جاری کمترین تأثیر را بر این متغیر داشته‌اند و نقدینگی بازار سهام اثر معناداری بر این متغیر نداشته است. از میان متغیرهای نظارت بانکی ریسک نقدینگی بیشترین و ریسک اعتباری کمترین تأثیر را بر متغیر حاشیه نرخ سود بانک‌ها داشته و مالکیت بانک‌ها اثر معناداری بر روی حاشیه نرخ سود بانک‌ها نداشته است. براساس این نتایج حاشیه نرخ سود بانکی در بانک‌های خصوصی و دولتی ایران تفاوت معناداری با یکدیگر ندارند.

عزتی و همکاران (۱۳۹۵) در تحقیقی به بررسی عوامل مؤثر بر سودآوری ۲۹ بانک اسلامی در ۱۰ کشور عضو سازمان کنفرانس اسلامی برای دوره ۲۰۰۴ الی ۲۰۱۱ پرداختند. این تحقیق با استفاده ۱۱ متغیر توضیحی و به صورت داده‌های ترکیبی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. از مهم‌ترین متغیرهای مؤثر بر سودآوری بانک‌های اسلامی، متغیر مستقل نسبت تسهیلات به سپرده دریافتی و متغیر کنترلی میانگین سالیانه نرخ ارز می‌باشند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که رابطه قوی، مثبت و معناداری بین میانگین سالیانه نرخ ارز و حاشیه سود بانک‌های اسلامی وجود دارد. همچنین نسبت تسهیلات به سپرده رابطه قوی، منفی و معناداری با حاشیه سود دارد. از طرفی متغیر داخلی شاخص مدیریت هزینه دارای اثری منفی و معنادار بر حاشیه سود می‌باشد. یکی از توصیه‌های مهم این پژوهش برای بالا بردن حاشیه سود انجام صرفه‌جویی در هزینه‌ها و یا بهبود مدیریت هزینه‌ها است.

بشیر^۱ (۲۰۰۳) در تحقیقی عوامل تعیین کننده سودآوری بانکهای اسلامی را در هشت کشور خاورمیانه بین سالهای ۱۹۹۳ و ۱۹۹۸، با استفاده از روش پنل دیتا مورد بررسی قرار داد. نتایج تحقیق نشان می دهد که با کنترل محیط اقتصاد کلان، ساختار بازار مالی و وضع مالیات، نسبت حقوق صاحبان سهام و نسبت وام به دارایی باعث افزایش سودآوری بانک می شود. همچنین نتایج رگرسیون نشان می دهد که مالیات ضمنی و صریح بر عملکرد بانکداری و سوددهی تأثیر منفی می گذارد در حالی که شرایط مطلوب اقتصاد کلان بر سودآوری بانک تأثیر مثبت دارد.

بن ناصر و عمران^۲ (۲۰۱۰) در پژوهشی به بررسی تأثیر قوانین نظام بانکی و اصلاحات مالی بر عملکرد بانکها برای نمونه ای از بانکهای شمال و شرق آفریقا طی سالهای ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰ پرداختند. نتایج تجربی نشان می دهد که ویژگی های خاص بانکی، به ویژه سرمایه بانکها و ریسک اعتباری، تأثیر مثبت و معناداری بر حاشیه سود خالص، بهره وری هزینه و سوددهی بانکها دارد. همچنین شاخص های توسعه اقتصاد کلان و مالی بجز تورم، تأثیر قابل توجهی بر حاشیه سود خالص دارد.

کواش^۳ (۲۰۱۱) عملکرد بانکهای تجاری اردن را در دوره ۲۰۰۰-۲۰۱۰ با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی، مورد بررسی قرار داد. نتایج تحقیق نشان می دهد که بین متغیرهای اندازه بانک، نسبت حقوق صاحبان سهام / کل دارایی ها، نسبت کل بدهی ها / کل دارایی ها و نرخ ارز با سودآوری (ROA) رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین این مطالعه نشان داد که بین اندازه بانک، نسبت کل بدهی ها / کل دارایی ها، نسبت وام / کل دارایی ها و نرخ ارز ارتباط مثبت و معنی داری با بازده حقوق صاحبان سهام (ROE) وجود دارد. علاوه بر این، رابطه منفی و معنی دار بین نرخ رشد سالانه تولید ناخالص داخلی و نرخ تورم با شاخص های سودآوری (ROE و ROA) وجود دارد.

تاجاردون و همکاران^۴ (۲۰۱۲) در تحقیقی با عنوان «آیا علت سودهای کلان بانکداری اسلامی، نتیجه قدرت آنها در کنترل بازار است یا به دلیل کارایی و بازدهی بالای بانکهاست» به بررسی عوامل اثرگذار بر سودهای بانکهای اسلامی ۹ کشور در طی دوره ۲۰۰۰-۲۰۱۰، با استفاده از فرضیه ساختار رفتار و عملکرد و فرضیه قدرت نسبی بازار و با روش تحلیل پوششی داده پرداختند. نتایج تحقیق نشان می دهد که ساختار کارآمد، یک عنصر مهم برای سودآوری است. همچنین نسبت سرمایه و اندازه بانک عامل مهمی در توضیح سود در صنعت بانکداری اسلامی است.

1. Bashir
2. Ben Naceur and Omran
3. Khrawish
4. Tajgardoon et al.

اونونگا^۱ (۲۰۱۴) در تحقیقی اثر عوامل داخلی بانک را بر سودآوری شش بانک تجاری (متعارف) و با استفاده از روش پنل‌دیتا، طی دوره ۲۰۰۸ الی ۲۰۱۳ مورد بررسی قرار داد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که متغیرهای اندازه بانک، نسبت حقوق صاحبان سهام و نسبت تسهیلات به سپرده دریافتی، با سودآوری (ROA) بانک رابطه مثبتی دارند. همچنین رابطه منفی و معناداری بین متغیر دامی مالکیت خارجی و متغیر هزینه‌های عملیاتی به دارایی، با بازده دارایی‌ها برقرار است. نتیجه تحقیق نشان می‌دهد که دولت کنیا باید سیاست‌هایی را ایجاد کند که بانک‌های تجاری، دارایی و سرمایه پایه خود را بالا ببرند زیرا باعث افزایش سودآوری بانک‌ها می‌شود. یکی دیگر از توصیه‌های سیاستی این تحقیق آن است که بانک‌های تجاری باید در فن‌آوری و مهارت‌های مدیریتی سرمایه‌گذاری کنند که هزینه‌های عملیاتی را به حداقل برساند، زیرا این امر بر رشد و بقای آن‌ها تاثیر مثبت خواهد گذاشت.

متغیرهای تحقیق

الف) متغیرهای وابسته

۱. بازده دارایی‌ها: این نسبت از تقسیم سود خالص (پس از مالیات) به جمع دارایی‌ها بدست می‌آید و معیار بهتری برای سنجش سودآوری واحد تجاری در مقایسه با نسبت سود خالص به فروش و نسبت سود عملیاتی است زیرا توان مدیریت را در بکارگیری موثر از دارایی‌ها در ایجاد سود خالص نشان می‌دهد.

۲. بازده حقوق صاحبان سهام: بازده حقوق صاحبان سهام میزان سود خالص ایجاد شده در مقابل هر یک ریال حقوق صاحبان سهام (منابعی که سهامداران در اختیار شرکت قرار داده‌اند) را نشان می‌دهد. که از تقسیم سود (پس از مالیات) بر حقوق صاحبان سهام به دست می‌آید. افزایش این نسبت نشان‌دهنده افزایش میزان سودآوری سهامداران می‌باشد.

۳. حاشیه بهره خالص: این نسبت از تقسیم تفاوت بهره دریافتی (از تسهیلات) و سودپرداختی (به سپرده‌ها) بر کل تسهیلات اعطایی محاسبه می‌شود. این نسبت مهم نشان می‌دهد که متوسط حاشیه سود بانک از بابت دریافت سپرده و اعطای وام چقدر است.

ب) متغیرهای مستقل

- ۱- اندازه بانک (کل دارایی)
- ۲- نسبت تسهیلات اعطایی به کل دارایی
- ۳- نسبت دارایی نقدی به کل دارایی‌ها

- ۴- نسبت هزینه‌های غیر بهره‌های به درآمد عملیاتی
 ۵- نسبت حقوق صاحبان سهام به دارایی‌های موزون شده به ریسک

روش تحقیق

در این پژوهش با استفاده از مدل رگرسیونی خطی^۱ به بررسی تاثیر متغیرهای مستقل بر روی شاخص‌های سودآوری برای بانک‌های بدون ربا در ایران و بانک‌های اسلامی و متعارف در بحرین برای دوره زمانی (۲۰۰۷-۲۰۱۴) پرداخته شده است. از آزمون هاسمن برای تعیین مدل بهینه برای داده‌های پانل دیتا استفاده شده است، به همین خاطر مدل را با لحاظ کردن اثرات تصادفی مقطعی تخمین زده که نتیجه آن رد فرضیه H_0 مبنی بر مناسب بودن اثرات تصادفی است. لذا مدل اثرات تصادفی نمی‌تواند مناسب باشد بنابراین ضرایب مدل براساس مدل اثرات ثابت تخمین زده شده است. روش شناسی تحقیق نیز از نوع پس رویدادی (با استفاده از اطلاعات گذشته) می‌باشد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش‌های اقتصادسنجی در قالب الگوی پانل دیتا با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی صورت گرفته است که بدین منظور از نرم افزار *eviwes8* استفاده شده است.

الف) روش گردآوری داده‌ها

آمار و اطلاعات به کار رفته در این تحقیق از ترازنامه‌های بانک‌های ایران و بحرین و سایت آماری و اطلاعاتی *bank scope* استخراج شده است.

ب) مدل تحقیق

در این تحقیق ابتدا با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی^۲ در غالب الگوی پانل دیتا در دوره (۲۰۰۷-۲۰۱۴) به تخمین ضرایب مربوط به هریک از متغیرهای توضیحی در مدل رگرسیونی خطی با استفاده از نرم افزار اقتصادسنج *eviwes8* اقدام نموده و در نهایت از این طریق سودآوری نظام بانکداری بدون ربا در ایران و نظام بانکداری اسلامی و متعارف در بحرین مقایسه می‌شود. پیشتر سه شاخص جهت برآورد سودآوری و مقایسه این دو نظام بانکداری معرفی شده‌اند که عبارتند از: شاخص بازده دارایی‌ها، بازده حقوق صاحبان سهام و حاشیه بهره خالص. بنابراین در این مطالعه ۳ مدل رگرسیونی خطی با متغیرهای وابسته فوق الذکر و متشکل از ۵ متغیر مستقل به شرح ذیل آورده می‌شود:

1. Linear Regression Model (LRM)
2. Ordinary Least Square (OLS)

مدل (۱): ROA

$$ROA_{bt} = \alpha_1 + \beta_1 \log(TOTAL ASSETS)_{bt} + \beta_2 (TOL/TOA)_{bt} + \beta_3 (CAA/TOA)_{bt} + \beta_4 (N-IE/OPI)_{bt} + \beta_5 (CAR_{bt}) + \epsilon_{1bt}$$

مدل (۲): ROE

$$ROE_{bt} = \alpha_2 + \beta_1 \log(TOTAL ASSETS)_{bt} + \beta_2 (TOL/TOA)_{bt} + \beta_3 (CAA/TOA)_{bt} + \beta_4 (N-IE/OPI)_{bt} + \beta_5 (CAR_{bt}) + \epsilon_{2bt}$$

مدل (۳): NIN

$$NIM_{bt} = \alpha_3 + \beta_1 \log(TOTAL ASSETS)_{bt} + \beta_2 (TOL/TOA)_{bt} + \beta_3 (CAA/TOA)_{bt} + \beta_4 (N-IE/OPI)_{bt} + \beta_5 (CAR_{bt}) + \epsilon_{3bt}$$

ROA: بازده دارایی‌ها

ROE: بازده حقوق صاحبان سهام

NIM: حاشیه سود خالص

α_1 و α_2 و α_3 : نشان‌دهنده عرض از مبدا مدل‌ها

$\log(TOTAL ASSETS)$: لگاریتم کل دارایی

TOL/TOA: نسبت کل وام‌ها به کل دارایی

CAA/TOA: نسبت دارایی نقد به کل دارایی

N-IE/OPI: نسبت هزینه‌های غیر بهره‌ای به درآمد عملیاتی

CAR: نسبت کفایت سرمایه

تجزیه و تحلیل داده‌ها

به کارگیری روش‌های معمول اقتصادسنجی در برآورد ضرایب الگو بر این فرض استوار است که متغیرهای الگو پایا هستند. وجود متغیرهای ناپایا در الگو باعث می‌شود که آزمون‌های F و t معمول از اعتبار و کیفیت لازم برخوردار نباشند. آزمون پایایی یکی از پیش‌فرض‌های لازم در برآورد مدل تحقیق می‌باشد. این آزمون زمانی انجام می‌شود که دوره زمانی تحقیق بیش از ده سال باشد اما در این تحقیق دوره زمانی ۷ سال می‌باشد بنابراین نیازی به انجام آزمون پایایی نیست.

تحلیل ضرایب متغیرهای مدل تحقیق

در این قسمت ضرایب مربوط به هر یک از متغیرهای مستقل در سه نوع بانکداری بدون ربای ایران و متعارف و اسلامی در بحرین مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

مدل ROA:

جدول (۱) ضرایب بر آورد شده مدل ROA							
F	R ²	β_0	β_1	β_2	β_3	β_4	α_1
۶.۹ (0.000010)	0.86	- 0.021 (0.0494)	-0.033 (0.0406)	-0.91 (0.0176)	0.057 (0.0431)	- ^۲	0.021* (0.36)
۷.۱ (0.000345)	0.83	-0.013 (0.0382)	-0.024 (0.0410)	-0.396 (0.01700)	-0.096 (0.00005)	-	۰.۱۰۷ (۰.۰۰۰۰۱)
4.85 (0.003221)	0.92	0.021 (0.0291)	-0.093 (0.0101)	-	-	0.051 (0.01 24)	-0.313 (0.2015)

مأخذ: یافته های تحقیق

مشاهده ضرایب حاصل از برآورد برای مدل بازده دارایی ها در جدول یک نشان می دهد که، لگاریتم ارزش کل دارایی ها برای بانک های اسلامی بحرین با متغیر بازده دارایی ها رابطه مثبت و معنی داری داشته و در نتیجه در این سیستم بانکداری با افزایش میزان لگاریتم کل دارایی ها، بازده دارایی ها نیز افزایش خواهد یافت. بنابراین اندازه بانک که معرف کل دارایی ها می باشد در سودآوری این نوع بانک ها تاثیر مثبت دارد. این می تواند به این دلیل باشد که بانک های اسلامی با توجه به ویژگی های خاص (مثل شریک بودن در سود و زیان)، در اندازه های بزرگ قدرت سودآوری بیشتری دارند. دومین ضریب مدل که مربوط به نسبت کل تسهیلات به کل دارایی ها است، نشان دهنده وجود رابطه منفی و معنادار برای بانک های بدون ربای ایران است. این تاثیر منفی افزایش تسهیلات بازده دارایی ها برای بانک های ایرانی، شاید به دلیل افزایش معوقات و وصول نشدن تسهیلات اعطایی در سررسید باشد. در مورد بانک های اسلامی نیز این رابطه منفی و غیرمعنی دار می باشد. برای بانک های متعارف بحرین این رابطه مثبت و معنی دار است چون بانک های متعارف تسهیلات بدون بهره نداشته و در سررسید نیز بهره ثابت تعیین شده را دریافت می کنند و در صورت عدم پرداخت توسط مشتریان از آن ها دیرکرد گرفته و در نتیجه زیان های حاصل از عدم وصول تسهیلات در سررسید را با این جریمه جبران می کنند، پس با این کارسپرده های بیشتری را تبدیل به وام می کنند و از این طریق سود کسب می کنند. برآورد ضریب نسبت وجه نقد به کل دارایی ها، حاکی از وجود رابطه منفی و معنادار این متغیر با بازده دارایی ها برای بانک های بدون ربا و متعارف بحرین را دارد. این نکته مبین این است که با افزایش نقدینگی در این نوع بانک ها میزان سودآوری کاهش می یابد چون نقدینگی بالا با سودآوری پایین همراه است. بنابراین با افزایش نسبت دارایی نقد

۱. سطح اطمینان ۹۵ درصد می باشد.

* ضرایب مدل و اعداد داخل پرانتز سطح معناداری مدل را نشان می دهد.

۲. متغیرهایی که به دلیل بی معنی بودن در تخمین اولیه مدل، در تخمین ثانویه از مدل حذف گردیده اند.

برکل دارایی‌ها، سودآوری بانک‌ها کاهش یابد، چون بانک قادر نخواهد بود که آن‌ها را در زمینه‌های سودآور سرمایه‌گذاری کند. برای هر سه نوع بانکداری چهارمین ضریب که متعلق به نسبت هزینه‌های غیربهره‌ای به درآمد عملیاتی می‌باشد با بازده دارایی‌ها رابطه منفی و معناداری داشته است و این فرضیه تحقیق ما را تایید می‌کند البته این امری بدیهی است که کارایی در جهت کاهش هزینه‌ها نقش اساسی در سودآوری بانک‌ها دارد. بنابراین بانک‌ها با کنترل صحیح هزینه‌ها کارایی عملیاتی را افزایش می‌دهند و باعث افزایش سودآوری می‌شوند. در مورد تاثیرگذاری نسبت کفایت سرمایه روی بازده دارایی‌ها، از ضریب برآورد شده معلوم می‌شود که برای بانک‌های متعارف و اسلامی بحرین و بانک‌های بدون ربای ایران، رابطه منفی و معنی‌داری بین نسبت کفایت سرمایه و بازده دارایی‌ها وجود دارد. یعنی با افزایش در نسبت کفایت سرمایه بازده دارایی‌های این نوع بانک‌ها کاهش می‌یابد چون بانک‌ها در این وضعیت مجبور هستند برای مقابله با بحران‌های نقدینگی و مرتفع نمودن زیان‌های احتمالی و پوشش منابع در معرض ریسک نقدینگی بیشتری نگه دارند و در نتیجه قسمتی از منابع بانک برای کسب سود از چرخه خارج شده و برای مقابله با زیان‌های احتمالی کنار گذاشته می‌شود.

طبق نتایج حاصل شده در جدول ۲ برای مدل بازده حقوق صاحبان سهام، بررسی متغیرهای توضیحی مدل حاکی از وجود رابطه مثبت و معنی‌دار بین لگاریتم ارزش کل دارایی‌ها و بازده حقوق صاحبان سهام برای بانک‌های اسلامی بحرین است. در بررسی رابطه بین نسبت وجه نقد به کل دارایی‌ها و بازده حقوق صاحبان سهام ضرایب برآزش شده حاکی از وجود رابطه معکوس و معنی‌دار برای بانک‌های متعارف بحرین و بدون ربای ایران می‌باشد. ضریب برآوردی برای نسبت هزینه‌های غیربهره‌ای به درآمد عملیاتی، نشان از وجود رابطه منفی و معنی‌دار آن با بازده حقوق صاحبان سهام، برای بانک‌های متعارف بحرین و بدون ربا ایران می‌باشد. بنابراین این بانک‌ها برای افزایش بازده حقوق صاحبان سهام و در نتیجه افزایش سودآوری، باید سیاست‌های کاهش هزینه‌های غیربهره‌ای را دنبال کنند. بین نسبت کفایت سرمایه و بازده حقوق صاحبان سهام، رابطه منفی و معنی‌دار برای هر سه نوع بانکداری وجود دارد. پس با افزایش در نسبت کفایت سرمایه بازده دارایی‌ها کاهش می‌یابد و در نتیجه توان سودآوری بانک‌ها کاسته می‌شود.

مدل NIM :

جدول (۳) ضرایب بر آورد شده مدل NIM								
F	R ²	β_3	β_4	β_5	β_6	β_7	α_r	NIM
3.8 (0.005147)	0.86	-	-0.958 (0.0109)	-0.826 (0.0124)	0.068 (0.0356)	0.157 (0.0510)	0.341 (0.1105)	بانک‌های متعارف بحرین
6.31 (0.000019)	0.87	-	-0.073 (0.0067)	-0.46 (0.0022)	-	-	0.81 (0.0006)	بانک‌های بدون ربای ایران
4.01 (0.012357)	0.91	-	-0.061 (0.0010)	-	-	0.031 (0.0013)	-0.098 (0.0996)	بانک‌های اسلامی بحرین

مأخذ: یافته‌های تحقیق

ضرایب برآوردی در جدول سه برای متغیرهای مستقل مدل حاشیه بهره خالص، نشان می‌دهد که لگاریتم ارزش کل دارایی‌ها برای بانک‌های متعارف و اسلامی بحرین، با سودآوری رابطه مثبت و معنی‌دار داشته است. رابطه بین نسبت تسهیلات اعطایی به دارایی‌ها و حاشیه بهره خالص برای بانک‌های متعارف مثبت و معنی‌دار است و در نتیجه با افزایش در میزان تسهیلات اعطایی، خالص درآمد بالاتری برای این بانک‌ها به دست آمده است. افزایش در نسبت وجه نقد به کل دارایی‌ها برای بانک‌های متعارف بحرین و بدون ربای ایران باعث کاهش حاشیه بهره خالص شده است، چون ضریب برآوردی برای هر دو منفی و معنی‌دار است. نسبت هزینه‌های غیر بهره‌ای نیز با حاشیه سودخالص، برای بانک‌های بدون ربا ایران، اسلامی و متعارف‌بحرین، رابطه منفی و معنی‌داری داشته است و در نتیجه با افزایش در نسبت هزینه‌های غیر بهره‌ای به درآمد عملیاتی، درآمد خالص این بانک‌ها کاهش می‌یابد.

مدل ROE:

جدول (۲) ضرایب برآورد شده مدل ROE								
F	R ²	β_3	β_4	β_5	β_6	β_7	α_r	ROE
3.51 (0.009631)	0.91	-0.115 (0.0102)	-0.034 (0.0098)	-0.81 (0.0014)	-	-	-0.14 (0.1014)	بانک‌های متعارف بحرین
9.01 (0.000035)	0.84	-0.95 (0.0002)	-0.56 (0.0011)	-0.49 (0.0468)	-	-	-0.452 (0.0922)	بانک‌های بدون ربای ایران
3.96 (0.011400)	0.94	-0.620 (0.0003)	-	-	-	0.697 (0.0008)	0.8921 (0.0102)	بانک‌های اسلامی بحرین

مأخذ: یافته‌های تحقیق

نتیجه‌گیری

در این تحقیق به مقایسه تطبیقی شاخص‌های سودآوری (بازده دارایی‌ها، بازده حقوق صاحبان سهام و حاشیه بهره خالص) بین بانک‌های بدون‌ربا در ایران و بانک‌های متعارف و اسلامی در بحرین پرداخته شد. نتایج حاصل از تحلیل الگوهای رگرسیونی حاکی از این بود که متغییر مستقل اندازه بانک که معرف دارایی‌های بانک بود برای بانک‌های بدون ربای ایران و متعارف بحرین، در این‌که بانک‌های بزرگتر الزاماً سودآور هستند صادق نبوده و بی‌تاثیر است. در حالی رابطه مثبت بین اندازه بانک و شاخص‌های سودآوری، برای بانک‌های اسلامی طبق نتایج بدست آمده در این تحقیق تایید شد. بنابراین با افزایش دارایی‌های بانک‌های اسلامی سودآوری آن‌ها نیز افزایش خواهد یافت. در مورد تاثیرگذاری نسبت تسهیلات اعطایی به کل دارایی‌ها بر روی شاخص‌های سودآوری، بانک‌های متعارف بحرین توانسته‌اند با افزایش میزان تسهیلات اعطایی سودآوری بهتری داشته باشند. در حالی که افزایش این نسبت باعث کاهش بازده دارایی‌ها برای بانک‌های بدون‌ربا در ایران شده است و در نتیجه سودآوری آن‌ها را کاهش داده است. نکته قابل توجه در این تحقیق وجود رابطه منفی و معنادار بین نسبت وجه نقد به دارایی و شاخص‌های سودآوری برای بانک‌های بدون‌ربای ایران و متعارف بحرین می‌باشد. در واقع بانک‌ها به منظور جلوگیری از زیان‌های ناشی از بحران نقدینگی که در نتیجه عدم بازپرداخت بدهی‌ها ایجاد می‌شود اغلب دارایی‌های نقد نگه می‌دارند و چون افزایش نسبت دارایی نقدی فرصت‌های سودآوری را از بانک سلب می‌کند، بنابراین با افزایش میزان آن، سودآوری کاهش می‌یابد.

همچنین در این تحقیق رابطه منفی و معنی‌داری بین نسبت هزینه‌های غیر بهره‌ای به درآمد عملیاتی و سودآوری، برای هر سه نوع بانکداری وجود داشته است. در مورد هزینه‌های غیربهره‌ای بانک‌ها می‌توانند با حذف یا کاهش هزینه‌های غیرضرور و کنترل صحیح هزینه‌ها از میزان هزینه‌های غیربهره‌ای بکاهند، بدیهی است که هرچه این نسبت کاهش یابد، بانک به لحاظ هزینه‌ای کارتر عمل نموده است. بنابراین بانک‌ها می‌توانند با کاهش هزینه‌های غیربهره‌ای و بهبود مدیریت هزینه‌ها، کارایی عملیاتی را افزایش و رشد سودآوری را ایجاد کنند. افزایش در نسبت کفایت سرمایه برای هر سه نوع بانک، باعث کاهش بازده دارایی‌ها (ROA) و بازده حقوق صاحبان سهام (ROE) شده است. در پایان می‌توان گفت که نتایج بدست آمده نشان داد که عملکرد بانک‌های بدون ربای ایران تا حد زیادی شبیه عملکرد بانک‌های متعارف مالزی بوده تا بانک‌های اسلامی بحرین و همچنین بانک‌های متعارف و بدون ربا توانسته‌اند با افزایش تسهیلات، سودآوری خود را افزایش دهند و این ممکن است به دلیل عدم مشارکت آن‌ها در سود و زیان و دریافت بهره ثابت باشد.

منابع

۱. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، گزارش صورت‌های مالی از سال (۹۳-۱۳۸۶).
۲. باقری، حسن، (۱۳۸۶)، «تحلیل عوامل مؤثر بر سودآوری بانک‌های تجاری (بانک‌رفاه)» دو فصلنامه تحقیقات اقتصادی، سال ۷، ش ۲۱، ص ۳-۲۶.
۳. توکلی، محمدجواد، (۱۳۹۲)، «ساز و کار بانکداری اسلامی» چاپ اول، قم: انتشارات مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی(ص).
۴. حسینی، میرزاحسن، خیبرشکن، مریم، (۱۳۹۲)، «عوامل مؤثر بر نسبت‌های سودآوری در صنعت بانکداری ایران (مطالعه موردی: بانک‌های تجاری ایران)» نخستین کنفرانس ملی توسعه مدیریت پولی و بانکی، تهران، دبیرخانه دائمی کنفرانس توسعه مدیریت پولی و بانکی.
۵. سیدنورانی، محمدرضا، امیری، حسین، محمدیان، عادل، (۱۳۹۱)، «رابطه علیت بین سرمایه بانک و سودآوری؛ با تأکید بر جنبه نظارتی ساختار سرمایه» فصلنامه علمی پژوهشی، پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، سال دوم، شماره ششم.
۶. شاهچرا، مهشید، (۱۳۸۹)، تغییرات در مقررات کمیته‌بال. مجله تازه‌های اقتصاد، شماره ۱۲۹، سال هشتم، ص ۱۵۱-۱۵۹.
۷. شاهچرا، مهشید و جوزدانی، نسیم «تاثیر نسبت سرمایه بر سودآوری بانک‌های دولتی و خصوصی در ایران در دوره (۸۰-۱۳۸۸)»؛ پژوهش‌ها پولی بانکی شماره ۱۲، تابستان ۱۳۹۱
۸. رحمانی، علی و سیدعلی حیدری (۱۳۸۵)، «بررسی نسبت کفایت سرمایه با متغیرهای مالی در سیستم بانکی ایران» پیام مدیریت، شماره ۲۱ و ۲۲ زمستان ۸۵ و بهار ۸۶، ص ۱۸۵-۱۹۹.
۹. عزتی، مرتضی، عاقلی، لطفعلی و کشاورز ساجدی، نفیسه (۱۳۹۵)، «عوامل مؤثر بر سودآوری بانک‌های اسلامی (کشورهای عضو کنفرانس اسلامی)» فصلنامه علمی ترویجی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره پانزدهم، ص ۱۳۹-۱۵۳.
۱۰. عیوضلو، حسین و میسمی، حسین، (۱۳۸۷)، «بررسی نظری ثبات و کارایی بانکداری اسلامی در مقایسه با بانکداری سنتی» فصلنامه علمی و پژوهشی اقتصاد اسلامی، ش ۳۱.
۱۱. محرابی، لیلیا، (۱۳۹۴)، «واکاوای روش‌های تجهیز و تخصیص منابع در نظام بانکداری کشورهای مختلف کشورهای؛ مجله اقتصادی» شماره‌های ۳ و ۴.
۱۲. محقق‌نیا، محمدجواد، (۱۳۹۳)، «الگوی بانکداری اسلامی»، چاپ اول، قم: انتشارات مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی(ص).
۱۳. مقدم زنجانی، محمدولی و پییری، علی، (۱۳۹۱)، «بررسی تاثیر عوامل کلان اقتصادی بر سودآوری بانک‌های اسلامی»، مجموعه مقالات بیست و سومین همایش بانکداری اسلامی.

۱۴. نبی، منوچهر، وفایی، سارا و افتخاری شاهی، جابر. (۱۳۸۸)، «مطالعه تطبیقی بانکداری اسلامی وسنتی در ایران و مالزی (با رویکرد سودآوری)» مجموعه مقالات دومین کنفرانس بین‌المللی توسعه نظام تأمین مالی در ایران، ص ۵۴۶-۵۷۴.
۱۵. نظریان، رافیک، عزیزیان‌فرد، رقیه، (۱۳۹۵)، «بررسی عوامل مؤثر بر حاشیه نرخ سود بانک‌ها در ایران» فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی سال چهارم، شماره ۱۴، صفحات ۱۰۶-۷.
۱۶. نادری کرج، محمود و حسین صادقی، (۱۳۸۲)، «بررسی کارآیی بانکداری بدون ربا در کشورهای مختلف و مقایسه بانک‌های غیرربوی با بانک‌های ربوی در جهان با استفاده از روش تحلیل ۵۸ پوششی داده‌ها»، پژوهش‌های اقتصادی، دوره ۳، شماره ۹-۱۰، از صفحه ۲۵ تا صفحه ۵۸.
17. ahliunited bank B.S.C, from <http://www.ahliunited.com>
18. alsalam bank bahrain , from <http://www.alsalambahrain.com>
19. Bahrain Credit bank ,from <http://www.bahraincredit.com.bh>
20. Bahrain development bank, from <http://www.bdb-bh.com>
21. bahrain Islamic bank , from <http://www.bisb.com>
22. bank alkhair, from <http://www.bankalkhair.com>
23. Bank Muscat International, from <http://www.bmibank.com.bh>
24. Bank Scope Database, London-Based International Bank Credit Analysis·LTD (IBCA). 2009, CD-Rom.
25. Bashir, Abdel Hammed M., A., 2003, "Determinats of Profitability in Isalmic Banks: Some Evidence from The Middle East", Islamic Economic Studies, Vol.11, No.1, pp.31-57.
27. Ben Naceur, S. (2003), 'The Determinants of The Tunisian Banking Industry Profitability: Panel Evidence' Universite Libre de Tunis Working Papers.
28. Ben naceur, S. and Omran, M. (2010). " The effects of bank regulations, competition, and financial reforms on banks' performance", Emerging Markets Review 12 (2011) 1-20.
29. Boyd, j. & Runkle, D. _(1993). Size And Performance of Banking Firms: Testing the Predictions of Theory, Journal of Monetary Economics, 31, 47-67.
30. ithmaar bank, from <http://www.ithmaarbank.com>
31. Khaleji Commercial Bank, from <http://www.khcbonline.com>
32. Khrawish, H. (2011). Determinants of Commercial Banks Performance: Evidence from Jordan. International Research Journal of Finance & Economics, (81), 148-159.
33. Mareyah, Mohammad Ahmad & Dayanand Pandey.(۲۰۱۰) "Are Islamic banks better immunized than Conventional banks in the current economic crisis?"; The British University in Dubai, Dubai: 10th, Global Conference on Business & Economics.

-
34. Tajgardoon, Gholamreza., Behnameh, M. and Noormohammadi, Kh. (۲۰۱۲), "Is Profitability as a result of Market Power or Efficiency in Islamic Banking Industry?", *Economics and Finance Review*, Vol. 2, Iss. 5, pp.01-07. Available online at <http://www.businessjournalz.org/efr>.
35. Onuonga, Susan Moraa. (۲۰۱۴), The Analysis of Profitability of Kenya's Top Six Commercial Banks: Internal Factor Analysis. *American International Journal of Social Science*, Vol. ۳, No. ۵, pp. ۱۰۳-۹۴.

